

خاندان جمال‌الاسلام یزدی* به مناسبت انتشار کتاب «همایون نامه»

ایرج افشار

آقای رکن‌الدین همایون فرخ از روی نسخه‌ای خطی از «همایون نامه» تألیف محمدبن علی بن جمال‌الاسلام مشهور به «شهاب منشی» که خود در تملک دارند متن را به طور حرفی در سلسله انتشارات دانشگاه ملی ایران انتشار داده‌اند.^(۱)

آنچه ایشان در مقدمه خود بر کتاب در باب احوال مؤلف و پدرش مرقوم داشته‌اند منحصر است به اطلاعی از پدر مؤلف (یعنی علی بن جمال‌الاسلام) که مؤلف کتابی در فتوحات امیر تیمور بوده است و براساس نسخه‌ای از آن که در کتابخانه مجلس شورای ملی^(۲) موجود است عباراتی چند از خطبه آن را که در آن نام مؤلف مذکور آمده است نقل کرده‌اند.

ضمناً نوشته‌اند که در «همایون نامه» مکتوبی به انشاء این علی بن جمال‌الاسلام خطاب به سعدالدین تفتازانی از زبان شاه یحیی مظفری هست و در آن لقب علی و پدرش غیاث‌الدین و معین‌الدین آمده است.

*. یغما، دی ۱۳۵۷، شماره ۳۶۴، ص ۶۲۴ تا ۶۲۸.

بنابراین شایسته است اطلاعات دیگری که در مورد شهاب‌الدین محمد منشی یعنی مؤلف «همایون نامه» و غیاث‌الدین علی یزدی پدر مؤلف «همایون نامه» که خود مؤلف «فتوحات امیر تیمور» بوده است و بالاخره معین‌الدین جمال‌الاسلام یعنی جد مؤلف همایون‌نامه در مصادر آمده است جهت تکمیل نوشته آقای همایون فرخ گفته آید.

مقدمه لازم به تذکار است که مراد از نسخه خطی «فتوحات امیر تیمور» کتابی است که محققان تاریخ تیمور در شصت هفتاد سال اخیر می‌شناخته‌اند و به «روزنامه غزوات هندوستان» شهرت گرفته و بارتولد آن را از روی نسخه‌ای مورخ به سال ۱۰۱۵ در سال ۱۹۱۵ میلادی در پطروغراد به چاپ رسانیده است. استوری (C.A. Storey) در کتاب «تألیف فارسی» (جلد اول، ص ۲۷۸) نام این کتاب را ضبط کرده است و از نسخه‌ای که در تاشکند موجود بوده است (به استناد مقاله کاله (Kahl) یاد می‌کند و می‌نویسد که این کتاب از مآخذ ظفرنامه‌های شاهی و یزدی بوده است. بارتولد هم در کتاب مشهور «ترکستان» همین مطلب را گفته است (ترکستان، ص ۵۴).

xxx

اطلاعات اصلی ما راجع به سر نسل این خانواده یزدی نکاتی است که در تاریخ یزد تألیف جعفر بن محمد بن حسن جعفری (تألیف قرن نهم) و تاریخ جدید یزد تألیف احمد بن حسین بن علی کاتب (تألیف نیمه دوم قرن نهم) مندرج است.

الف - نکته مهم در احوال این خاندان آن است که سلسله نسب آنها به یکی از بزرگان مشایخ و پیران طبقات صوفیه یزد موسوم به جمال‌الاسلام ابی

سعید محمدبن احمدبن مهریزد می‌رسد و وفات او را ۴۸۰ هجری نوشته‌اند^(۳) و در ذیل احوال اوست که هر دو تاریخ یزد به احوال احفادش اشاره کرده‌اند جز این در خاتمه کتاب «روزنامه غزوات هندوستان» هم مصرحاً به منسوب بودن مؤلف کتاب (غیاث‌الدین علی) به شیخ جمال‌الاسلام اشاره شده است بدین عبارت: «تمام شد تاریخ این بزرگ و خاقان اعظم امیر تیمور گورکان انارالله برهانه از مؤلفات مولانای اعظم السعید علامه العلماء والافاضل المتبحرین فی عصره و زمانه الواصل الی رحمة الله و غفرانه غیاث‌الحق والدین علی المتتهی نسبه العالی الی الشیخ الربانی و القطب‌الصمدانی الشیخ جمال‌الاسلام قدس الله سرهما».^(۴) مقبره جمال‌الاسلام در سال ۷۸۴ هجری توسط غیاث‌الدین علی منشی عمارت شد.^(۵)

ب - نکته مهم دیگر آن است که من در تجسسات خود در مقابر و مساجد میبد یزد به دو سنگ قبر برخوردارم که از آن دو نفر از احفاد جمال‌الاسلام مذکور بود و از روی نسب آن دو که بر سنگ قبورشان منقور است مشخص و قطعی شد که میبدی مؤلف تفسیر مشهور کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار از خاندان جمال‌الاسلام محمد... بن مهر یزد است^(۶)

بنابراین سه نفر دیگر از افراد این خاندان را که در قرن ششم هجری وفات

کرده‌اند به نام‌های مذکور در ذیل می‌شناسیم:

۱- میبدی مؤلف تفسیر کشف‌الاسرار

۲-

۳-

ج - بعد از سه شخص مذکور در فوق که در قرن ششم وفات کرده‌اند

شخص دیگری را از این خاندان نمی‌شناسیم تا معین‌الدین جمال‌الاسلام محمدبن

احمد آمده و مؤلف تاریخ یزد درباره او چنین نوشته است:

«و مولانای اعظم معین‌الدین جمال‌الاسلام محتسب از فرزندان او بود و شعری نیکو داشت و پیش سلاطین و اکابر معزز بودی و ظریف و ندیم و خوش صحبت بودی و امور احتساب یزد سال‌ها تعلق بدو داشت.»^(۷) و از اشعار او آنچه در دست داریم چند بیتی است که درباره چاهخانه دارالشفای یزد که توسط شمس‌الدین تازیکو در سال ۸۱۹ هجری در یزد بنا شد به امر صاحب دیوان جوینی گفته بوده است و مؤلف‌های تاریخ یزد و تاریخ جدید یزد آن را در هشت بیت نقل کرده‌اند بدین مطلع:

زهی مقام همایون کز اعتدال هوا

چو روضه آمده‌ای دلکشا و روح فرا

به سال هشتصد و نوزده بشد تازه

ز فرّ بندگی آصف ملک سیما^(۸)

این معین‌الدین هموست که مکتوبی از قلم پسرش در کتاب همایون نامه نقل شده است و در عنوان مکتوب که خطاب به سعدالدین تفتازانی است نام پدر نویسنده مکتوب «معین الملة والدین جمال‌الاسلام» قید شده است.^(۹)

از این معین‌الدین مکتوبی مفصل به شاه یحیی مظفری در دست است که یوسف اهل در مجموعه «فرائد غیائی» درج کرده است.^(۱۰) نکته‌ای که درباره این نامه توان گفت این است که یوسف اهل نام نویسنده مکتوب را «معین‌الدین الیزدی» آورده است و ذکری از جمال‌الاسلام ندارد.

د - فرزندان معین‌الدین که به لقب و نام غیاث‌الدین علی^(۱۱) بود از زبده منشیان و ادبای شهر یزد در قرن نهم هجری و مؤلف «روزنامه غزوات

هندوستان» (یا فتوحات تیمور) است. آنچه در باب احوال او می‌دانیم مطالبی است که خود در مقدمه کتاب مذکور آورده است و مؤلفان تاریخ یزد و تاریخ جدید یزد به در باب او نوشته‌اند و مکتوبی که به قلم او در همایون نامه ضبط شده است.

صاحبان دو تاریخ یزد ذیل احوال جمال‌الاسلام یکی از اولاد او را مولانا غیاث‌الدین علی منشی نوشته‌اند، «که افضل عصر بود و قاضی عادل و نزد سلاطین بنی مظفر به غایت معزز و مکرم بود و در سال اربع و ثمانین و سبعمائه عمارت مزار شیخ کرد و خانقاه عالی در جنب مقبره و نهری در خانقاه جاری کرد و ساباط مروح بر در مزار ساز کرد و خان ابرقومیان مشهور را جهت مزار نزدیک آن ساباط ساز داد و وقف کرد».^(۱۲)

احمد کاتب می‌نویسد: «و در نسل او بسیار فاضلان در دین محمدی پیدا شدند مثل مولانای اعظم سعید غیاث‌الدین علی منشی که از فضلالی عصر بود و مولانا شهاب‌الدین محمد که سرآمد زمان خود بودند در انشاء و تواریخ و فقه نیکو، و مزار مقدس جد بزرگوارش او ساخته. چهار صغه عالی و طنبی بزرگ که مدفن شیخ‌الاسلام است و پنجره‌های آهنین به طریق گشوده و نهر آب صواب در میان مدرسه جاری کرده و ساباط رفیع منقش بر درگاه ساخته و قصیده سیدحسن متکلم بر آن ثبت کرده... و بر کتابه درگاه تاریخ نوشته و این عمارت در سال اربع و ثمانین و سبعمائه تمام کرده».^(۱۳)

از اشارات هر دو مؤلف بر می‌آید که غیاث‌الدین در فن قضا و علم فقه نیز دست داشت و اینکه نوشته‌اند نزد سلاطین مظفری معزز بود گواهی مکتوبی است که او از زبان شاه یحیی به تفتازانی نوشته است و در همایون نامه نقل شده

است. (۱۴)

از این منقولات برمی آید که غیاث‌الدین علی بجز بنای مزار جمال‌الاسلام خانقاهی هم ترتیب داد و خان ابرقومیان را برای مزار خود وقف کرد.

کار ماندگار غیاث‌الدین علی تألیف «روزنامه غزوات هندوستان» است که پیش از این بدان اشاره شد. خود در سبب تألیف کتاب چنین نوشته است:

«... چون دارالعباده یزد به مقدم عالی یکی از مقربان حضرت و چاکران صادق نیت مشرف گشت دو رساله عربی و فارسی که نویسنده این حروف علی سبیل الارتحال انشاء کرده در نظر مبارک او آمد و در پایه سریر اعلی عرض کرد حکم صادر شد که جهت تاریخ بعضی از حروب که بندگی حضرت جهانگشای را اتفاق افتاده بود. دیباچه فردوسی نویسد و فتوحات متواتر که از مبداء عهد باز کرامت شد در فصلی مفرد مجملاً قلمی کرد. بعد ذلک روزنامه غزوات هندوستان پیش گرفته جنگ‌نامه‌ها به عبارتی از تکلف دور و به فهم نزدیک علی‌التفصیل شرح دهد. هرچند اکثر اوقات مستغرق علوم دینی بوده و در انشاء خطابیات کمتر خوض نموده اما به میامن اوامر علیه در این موقف خطیر شروع رفت...» (۱۵)

از این شرح این طور مستفاد می‌شود که او در همان یزد به تألیف روزنامه غزوات هندوستان مأمور شد و جز آن دیباچه فارسی برای تاریخ بعضی از جنگ‌های دیگر تیمور نوشت که فعلاً خبری از آنها نداریم. ضمناً اشاره‌ای که به استغراق خود در علوم دینی و خوض کمتر در انشاء خطابیان می‌کند نشانی است از اینکه پیش از آن هم به کار انشاء مشغول بوده است کما اینکه در همایون نامه مکتوبی از او نقل شده است که او از زبان شاه یحیی مظفری برای مولانا

سعدالدین تفتازانی نوشته بوده است.

در خاتمه روزنامه غزوات هندوستان عباراتی آمده است که کسی پس از وفات مؤلف و قبل از وفات شاهرخ (یعنی سال ۸۵۰) و در زمان حیات فرزند مؤلف نوشته و حاوی اطلاعاتی مفید است، بدین عبارت:

«تمام شد تاریخ امیر بزرگ و خاقان اعظم امیر تیمور گورکان انارالله برهانه از مؤلفات مولانای اعظم‌السعید **علامة العلماء والافضل المتبحرين في عصره و زمانه الواصل الى رحمة الله و غفرانه غياث الحق والدين على المنتهى نسبه العالی الى الشيخ الربانی والقطب الصمدانی الشيخ جمال الاسلام قدس الله سرهما.**

و تاریخ مبارک تا آنجاست که فتح هندوستان شده. بعد از این اگر توفیق رفیق و تدبیر موافق تقدیر آید کیفیت فتب بلاد شام و روم که در عهد حضرت خاقان سعید بوده و فتوحات ارجمند که در زمان بندگی حضرت خلافت پناه سلطان سلاطین عالم اعدل خواقین امم ظل الله فی الارضین معین الحق والدين امیرزاده شاهرخ بهادر سلطان خلدالله ملکه و سلطانه روی نموده خلف‌الصدق مصنف این تاریخ مولانای اعظم مؤید صنادید العلماء فی العالم وحید العصر فی الزمان مولانا شهاب‌الدین محمد منشی سلمه الله تعالی مشروح و مبسوط در سلک عبارت خواهد آورد. ان شاء الله وحده العزیز والتوفیق فی اتمام هذا المرام من الله المهیمن العلام و صلی الله علی خیر خلقه...»

هـ - بالاخره آخرین فرد این خانواده که نامش در کتب به عنوان منشی آمده است شهاب‌الدین محمد فرزند غیاث‌الدین علی مذکور در قبل است که او را به مناسبت انتشار کتاب «همایون نامه» اش بهتر می‌توان شناخت.

جعفری در تاریخ یزد گفته است: «و مولانا شهاب‌الدین محمد^(۱۶) پسر او

از اکابر دین بود و تصانیف بسیار دارد. از انشاء او شرح حاوی و غیره است».^(۱۷) و احمد کاتب نوشته است: «و از نسل او بسیار فاضلان در دین محمدی پیدا شدند مثل ... و مولانا شهاب‌الدین محمد...»^(۱۸) و در ذیل مزار فخرالدین پیر خواجه گفته است «و چون وفات کرد او را در خانقاه مولانای اعظم سعید شهاب‌الدین محمد منشی علیه‌الرحمه دفن کردند».^(۱۹)

در «همایون نامه» او منحصرأ اسم خود را محمد آورده و به شهرت خود «شهاب منشی» اکتفا کرده است. اما به استناد مدارک مذکور در فوق معلوم است که لقبش شهاب‌الدین بوده است همان طور که یوسف اهل هم در کتاب «فرائد غیاثی» نام او را «مولانا شهاب‌الملّة والدین المنشی الیزدی» قید کرده است^(۲۰) و در خاتمه روزنامه غزوات هندوستان هم شهاب‌الدین آمده است^(۲۱) این شهاب‌الدین منشی مؤلف همایون نامه در کتاب خود متن مکتوبی را آورده است که از زبان امیرزاده پیرمحمد والی شیراز به ملک هرموز نوشته است^(۲۲) و نشانی است از اینکه در دستگاه آن امیرزاده سمت منشی داشته است.

دیگر نامه‌ای است که زبان نصره‌الدین پیر احمد به یکی از سلاطین لر نوشته است.^(۲۳)

یادداشت

۱. تهران، ۱۳۵۷، وزیری ۳۶+۳۲۸ ص (انتشارات دانشگاه ملی ایران، ش ۱۲۵)
۲. این همان نسخه‌ای است که مورخ ۸۶۸ هجری است و به شماره ۱۶۳۹۲ در کتابخانه مجلس شورای ملی محفوظ است (یادداشت محمدتقی دانش‌پژوه). آقای دانش‌پژوه یادآور شدند نسخه‌ای هم در مجموعه نسخ خطی محمود شیرانی در لاهور موجود است (جلد اول فهرست آن کتابخانه).
۳. تاریخ یزد، ص ۱۲۱ - تاریخ جدید یزد، ص ۱۷۰
۴. روزنامه غزوات هندوستان

۵. در یادگارهای یزد، جلد دوم محل وقوع این بقعه تعیین شده است.
۶. تفصیل این امر را در طی مقاله‌هایی آورده‌ام و در کتاب «یادگارهای یزد» جلد اول (تهران، ۱۳۴) مندرج است.
۷. تاریخ جدید یزد، ص ۱۶۹ - ۱۷۰.
۸. تاریخ یزد، ص ۱۵۵ - تاریخ جدید یزد، ص ۲۲۳.
۹. همایون نامه، ص ۱۵۶.
۱۰. فرائد غیائی، جلد اول، ص ۱۹۶-۲۰۳.
۱۱. این غیاث‌الدین علی را نباید با سید غیاث‌الدین علی یزدی وزیر شیخ ابواسحاق اشتباه کرد که سید بوده است.
۱۲. تاریخ یزد، ص ۱۲۱.
۱۳. تاریخ جدید یزد، ص ۱۶۹.
۱۴. همایون نامه، ص ۱۵۸.
۱۵. روزنامه غزوات هندوستان، ص ۱۳ (این مطالب قریب دو صفحه پس از مطالبی است که آقای همایون فرخ از آن نقل کرده‌اند).
۱۶. در چاپ من به غلط «علی» ضبط شده است (ص ۱۲۱).
۱۷. تاریخ یزد، ص ۱۲۱.
۱۸. تاریخ جدید یزد، ص ۱۶۹.
۱۹. تاریخ جدید یزد، ص ۱۹۱.
۲۰. فرائد غیائی، جلد اول، ص ۱۷.
۲۱. روزنامه غزوات هندوستان.
۲۲. همایون نامه، ص ۶۰.
۲۳. همایون نامه، ص ۸۰.